



Factual ignorance and criminal responsibility according to virtue ethics theory

Rahim Nobahar¹ | Mansooreh Ghanbarian Banooee²

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Islamic Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: r-nobahar@sbu.ac.ir
2. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m_ghanbarian@sbu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Manuscript Received:

11 September 2023

Final revision received:

17 February 2024

Accepted:

24 February 2024

Published online:

26 February 2024

Keywords:

regret,

fault,

ignorance of

particulars,

vices of impure agency

ABSTRACT

The virtue ethics theory emphasizes various factors such as moral traits and the role of motives in the actions of a moral agent, which are assessed based on the agent's character and analysis of his regret. This theory offers a distinct interpretation of ignorance and introduces a novel perspective on the criteria for assigning blame to behaviors stemming from ignorance. Consequently, this theory suggests the appropriate treatment of individuals who act out of ignorance.

Employing a descriptive-analytical approach, this article seeks to ascertain the appropriate response to individuals who act out of ignorance and examines the role of regret and vices of character in determining criminal responsibility from the standpoint of virtue ethics.

Based on the research findings, actions resulting from ignorance of particulars are deemed involuntary. When an ignorant individual is not responsible for his ignorance and regrets his inappropriate behavior, he cannot be held criminally responsible. However, if the individual lacks remorse despite his ignorance, he may not be culpable for his lack of knowledge but may still incur anger and resentment. Legally, this resentment can manifest in the form of security measures. When an individual is responsible for his ignorance, he can be blamed for his lack of knowledge, although the actions resulting from his ignorance are not morally blameworthy. Nevertheless, given the significance of social considerations in criminal responsibility, these actions may be subject to reproach based on the requirements of criminal justice, particularly if the individual does not express regret for committing the crime.

Cite this article: Nobahar, Rahim; Ghanbarian Banooee, Mansooreh (2023) "Factual ignorance and criminal responsibility according to virtue ethics theory", *Criminal Law and Criminology Studies*, 53 (2), 265-285, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.364561.1869>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.364561.1869>



جهل موضوعی و مسئولیت کیفری از نگاه اخلاق فضیلت

رحیم نوبهار^۱ | منصوره قنبریان بانویی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: r-nobahar@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: m_ghanbarian@sbu.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|---|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | یکی از نظریه‌های مهم اخلاقی که در دهه‌های اخیر مورد توجه حقوقدانان کیفری نیز قرار گرفته، نظریه اخلاق فضیلت است. این نظریه بر ویژگی‌های اخلاقی، انگیزه فاعل از اعمال ارتكابی با ارجاع به شخصیت او و بررسی پشیمانی به‌عنوان مؤلفه بازنگری رفتار از سوی فاعل، تأکید دارد. این نظریه اخلاقی افقی نوین و متفاوت برای کاوش مباحثی سرزنش‌پذیری اعمال ناشی از جهل موضوعی می‌گشاید که برای واکنش به فاعلان جاهل عادلانه‌تر به‌نظر می‌رسد. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۰ | مقاله حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی، ملاکی برای نحوه مواجهه قانونگذار با این دسته از کنشگران با در نظر گرفتن مؤلفه پشیمانی و ردیلت‌های مربوط به شخصیت، ارائه دهد. |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ | بر اساس یافته‌های این پژوهش، اعمال ناشی از جهل به جزئیات، غیرعمدی است. بنابراین، فاعل جاهل در حالت عدم تقصیر چنانچه ابراز پشیمانی کند، بخشوده خواهد شد. اما اگر از ارتكاب عمل خود پشیمان نباشد، با اینکه در برابر جهل و عمل ناشی از آن سزاوار سرزنش نیست؛ موضوع واکنش‌هایی همچون خشم و آزرده‌گی خواهد بود که در سطح حقوقی ممکن است در قالب اقدامات تأمینی و تربیتی جلوه‌گر شود. در صورتی که جهل فاعل از روی تقصیر باشد، صرفاً به اعتبار جهلش مسئول خواهد بود و سرزنش به اعتبار اعمال ناشی از چنین جهلی یا میانی اخلاقی موجه نیست، با این حال با توجه به اینکه در مسئولیت کیفری بر خلاف مسئولیت اخلاقی صرف، ملاحظاتی اجتماعی در مقایسه با حالت‌های ذهنی بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد، چنین رفتارهایی ممکن است به لحاظ کیفری مسئولیت‌آور باشد؛ به‌ویژه اگر فاعل از ارتكاب جرم پشیمان نباشد. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۵ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۷ | |
| کلیدواژه‌ها: پشیمانی، تقصیر، جهل به جزئیات، ردیلت‌های فعالیت ناخالص | |

استناد: نوبهار، رحیم؛ قنبریان بانویی، منصوره (۱۴۰۲). جهل موضوعی و مسئولیت کیفری از نگاه اخلاق فضیلت، مطالعات حقوق

کیفری و جرم‌شناسی، ۲ (۵۳)، ۲۸۵-۲۶۵. DOI: https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.364561.1869



© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.364561.1869

۱. مقدمه

نظریه اخلاق فضیلت در مقایسه با سایر نظریه‌های اخلاقی همچون وظیفه‌گرایی و سودانگاری پیشینه‌ای بلند دارد. این نظریه در دهه‌های اخیر افزون بر فیلسوفان مورد توجه حقوقدانان کیفری نیز قرار گرفته است. طرفداران نظریه اخلاق فضیلت برآن‌اند که نظریه‌های قانون‌محور و سودانگار یا به انگیزه‌ها و ساختارهای انگیزشی یک زندگی اخلاقی هیچ توجهی ندارند یا به انگیزه‌هایی توجه می‌کنند که از نظر اخلاقی نادرست و بی‌ارزش‌اند. برای نمونه برنارد ویلیامز^۱ اخلاق وظیفه‌گرای کانت را به‌ویژه به دلیل نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی به نقد می‌کشد. از نظر او ادراکات عقلانی که به گفته کانت تنها دلیل برای انجام کار صحیح‌اند، قادر به برانگیختن فاعل نیستند؛ زیرا تنها دلایل درونی مانند میل و علاقه می‌توانند افراد را به انجام کاری برانگیزانند. این ایراد به سودگرایان نیز وارد است، زیرا انگیزه جلب منفعت نیز انگیزه صحیحی برای انجام اخلاقیات نیست؛ اما اخلاق فضیلت تأکید می‌کند که با تکیه بر عشق و دوستی و اصلاح انگیزه‌های درونی می‌توان شرایط انجام فعل اخلاقی را به‌درستی فراهم کرد (خزاعی، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۲).

از نظرگاه اخلاق فضیلت امکان قضاوت درباره درستی یا نادرستی اعمال بدون ارجاع به شخصیت فاعل امکان‌پذیر نیست (Oakley, 2007: 87-88). این در حالی است که تأکید نظریه سودانگار و وظیفه‌گرا بر سود بیشتر برای بیشترین افراد و رعایت قوانین اخلاقی است (Hursthouse, 1999: 1). اخلاق فضیلت اما صدور افعال نیک را در گرو بالندگی فضایل اخلاقی و از بین بردن رذایل می‌داند (جوست، ۱۴۰۰: ۴۰۰). در این نظریه^۲، تأکید بر رشد اخلاقی، منش اخلاقی، ارزش ذاتی فضیلت‌ها، نقش معرفت‌شناسانه قدیس اخلاقی، رابطه میان فضیلت و معرفت‌شناسی و سرانجام، تأکید بر انگیزه است (خزاعی، ۱۳۸۹: ۴۳).

نظریه اخلاق فضیلت یا توجه به تأکیدی که بر منش افراد و ویژگی‌های اخلاقی آنها دارد، تحلیل متفاوتی در مورد تبیین جهل و نوع مواجهه با کنشگران جاهل دارد. جهل در این نظریه شامل دو فرض جهل به کلیات اخلاقی و جهل به جزئیات عمل است. جهل به جزئیات عمل که موضوع مقاله حاضر است، در خوانش حقوقی همان جهل موضوعی است. در خوانش رایج حقوقدانان ایرانی، جهل موضوعی در دسته عوامل رافع مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد. با این

1. Bernard williams

۲. اخلاق فضیلت همانند اخلاق وظیفه‌گرا و سودانگار، نظریه‌ای هنجاری است. نظریات هنجاری شاخه‌ای از اخلاق هنجاری هستند (خزاعی، ۱۳۸۹: ۱۵). اخلاق هنجاری اصلی‌ترین احکام اخلاقی را درباره‌ی درست و نادرست، از حیث اخلاقی و نه از دیدگاه مردم شناسایی و تبیین می‌کند (هولمز، ۲۰۰۳: ۴۱-۴۲).

حال باید گفت در صورت وجود جهل موضوعی، اصلاً مسئولیت کیفری ایجاد نمی‌شود تا جهل، رافع آن باشد.

به اعتقاد برخی از نویسندگان آنجا که رکن روانی جرم دربردارنده علم به موضوع، حکم و قصد ارتکاب موضوع مجرمانه است و در حالت جهل به موضوع، قصد مجرمانه احراز نمی‌شود، چنین جهلی در واقع رافع عنصر معنوی و از عوامل مانع مسئولیت کیفری است (شمس ناری، ۱۳۹۳: ۳۹۲).

از آنجا که در نظریه اخلاق فضیلت، علم یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عمدی بودن رفتار است و عمدی بودن نیز به نوبه خود و به اعتقاد شارحان ارسطو - که اخلاق فضیلت در خوانش مدرن به او نسب می‌برد- شرط ضروری مسئول شناخته شدن فاعل اخلاقی است^۱، می‌توان جهل به جزئیات را عامل مانع مسئولیت قلمداد کرد.

نگاه خاص نظریه اخلاق فضیلت به جهل، افقی نوین در برابر قانونگذار در تحلیل مفهوم جهل موضوعی به‌عنوان جهل به جزئیات عمل و نوع مواجهه با فاعلان جاهل در دو حالت تقصیر و بی‌تقصیری با تأکید بر نوع نگرش آنها به رفتار ارتكابی‌شان، می‌گشاید. با وجود راه‌گشا بودن مبنای اخلاقی جهل از نگاه نظریه اخلاق فضیلت برای مطالعات حقوقی، در منابع فارسی مطالعه‌ای در این باره انجام نگرفته است؛ اما نویسندگان غیرفارسی‌زبان در خصوص دیدگاه ارسطو درباره مسئله جهل مقالات و کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورده‌اند که الهام‌بخش مقاله حاضر بوده است.

با این حال منابع مذکور از جمله «جهل اخلاقی و سرزنش در اخلاق نیکوماخوس ارسطو»، «جهل، غیرعمدی بودن و پشیمانی در دیدگاه ارسطو» و «پشیمانی: مطالعه‌ای در خصوص روان‌شناسی اخلاقی باستان»، در حوزه فلسفه توسط نویسندگان فلسفی به نگرش درآمده است که دغدغه حقوقی ندارند و صرفاً در مبنای اخلاقی جهل تأمل کرده‌اند. با این حال معیارهای اخلاقی این مقالات زمینه‌ساز تحلیل‌های حقوقی در این مقاله است و نگارندگان با الهام از آنها و بررسی جایگاه کنونی جهل در حقوق ایران، نگاهی نوین به خوانش حقوق کیفری از جهل ارائه می‌دهند.

به دلیل اهمیت مؤلفه پشیمانی در ارزیابی رفتار فاعلان اخلاقی به‌ویژه ارزیابی اعمال ناشی از جهل و همچنین به دلیل تأکید بر متفاوت بودن واکنش در برابر فاعلان جاهل در حالت‌های مختلف، خوانش اخلاق فضیلت از غیرعمدی بودن اعمال ناشی از جهل موضوعی، شایسته

۱. از نظر ارسطو فاعل اخلاقی در برابر اعمال عمدی مسئول است. این اعمال موجب سرزنش یا ستایش خواهند شد (Santos Campos, 2013: 100). عمل عمدی، عملی است که فاعل اخلاقی بر آن کنترل داشته باشد؛ به این معنا که آن را از روی تمایل و با آگاهی به جزئیات عمل انجام دهد (Muller, 2015: 238).

واکاوی است. این پژوهش درصدد یافتن مبنایی برای مواجهه قانونگذار با کنشگران جاهل با در نظر گرفتن مؤلفه پشیمانی از یک سو و مؤلفه تقصیر از سویی دیگر است. رویکرد نوین نظریه اخلاق فضیلت به جهل زمینه‌ساز طرح این پرسش است که جهل به جزئیات عمل دارای چه حالت‌هایی است و واکنش مناسب در برابر هریک از این حالت‌ها چگونه باید باشد؟ همچنین نقش مؤلفه پشیمانی در نوع واکنش به اعمال ناشی از چنین جهلی چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر رویکرد ارسطو به عنوان پایه‌گذار اخلاق فضیلت، نخست به تبیین مفهوم جهل به جزئیات عمل می‌پردازد. سپس جهل به جزئیات عمل را در حالت تقصیر فاعل و بی‌تقصیری او با تکیه بر مؤلفه پشیمانی و بازتاب‌های قانونی آن بررسی خواهد کرد.

۲. تبیین جهل به جزئیات از نگاه اخلاق فضیلت

ارسطو در تبیین جهل از اصطلاح جهل و علم استفاده کرده است نه اصطلاح اعتقاد. از نظر او فاعل اخلاقی یا به آنچه انجام می‌دهد علم دارد یا از آن بی‌اطلاع است. با این حال منظور او از جهل این است که فرد یا دارای اطلاعات نادرست و در نتیجه اعتقادات غلط است یا اینکه هیچ دانشی ندارد (Grgic, 2021: 356). به این دلیل برخی از شارحان ارسطو، اصطلاح «agnoia» را به «error» ترجمه کرده‌اند (Echenique, 2012: 148; Kenny, 2006: 129). با این حال در میان شارحان ارسطو اصطلاح ignorance متداول‌تر است، به این دلیل و از آنجا که معنای اصطلاحی جهل در فارسی هم شامل جهل بسیط است و هم شامل جهل مرکب که همان اشتباه و اعتقاد خلاف واقع است (قدسی، ۱۳۸۱: ۳۹؛ آخوندی، ۱۳۹۱: ۹۶ و ۱۱۸)، ترجیح نگارندگان این است که در مقاله اصطلاح جهل را به کار برند. با این حال به نقل از برخی حقوقدانان گاه اصطلاح اشتباه، گاه جهل و گاه شبهه نیز به کار رفته است. در هر حال در تبیین فلسفی، منظور از جهل معنای عام آن است؛ مثال‌هایی که در ادامه خواهد آمد نیز برخی مصداق جهل بسیط و برخی مصداق اعتقاد اشتباه است. همچنین از آنجا که دو اصطلاح علم و آگاهی در منابع مختلفی که به آنها در این مقاله ارجاع داده شده است، در معنای دانستن به کار رفته‌اند؛ منظور از آنها در این مقاله معنایی واحد است.

به تعبیر ارسطو گاه عمل ارتكابی به علت «جهل به جزئیات»^۱ مهم و اساسی مربوط به عمل انجام می‌شود که به آن جهل موضوعی نیز گفته می‌شود و گاه ناشی از «جهل به کلیات»^۲ است. کلیاتی که فاعل به آنها آگاهی ندارد، ممکن است اخلاقی یا قانونی باشد.

1. Ignorance of Particulars

2. Ignorance of Universals

در جهل به کلیات، فاعل به انجام آنچه درست است آگاهی ندارد و عمل او در حالت چنین جهلی چه در فرض تقصیر و چه در فرض بی‌تقصیری، عمدی محسوب می‌شود، زیرا فاعل در مورد هیچ‌یک از جزئیات مهم و اساسی عمل که علم به آن، شرط عمدی بودن^۱ است، ناآگاه نیست. با این حال واکنش در برابر دو حالت مذکور متفاوت است. در فرض بی‌تقصیری، فاعل مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد. برای مثال آن‌گونه که برخی نویسندگان گفته‌اند، در عذر ادراک اخلاقی آسیب‌دیده که فرد در دوران کودکی در زمینه رشد احساسی و ادراکی ناتوان شده و درکی از هنجارهای اخلاقی ندارد، مرتکب از سرزنش معاف است؛ مانند افرادی که در دوران کودکی ربوده می‌شدند و در سازمان‌های نظامی مورد تعلیمات خشن قرار می‌گرفتند (Souris, 2019: 19). چنین وضعیتی را «گمراهی قهرآمیز»^۲ نامیده‌اند که در آن محیط شخص را به ردیلت عادت می‌دهد و بر رشد شخصیت اخلاقی او اثر می‌گذارد (Jacobs, 2016: 31). در حالت تقصیر نیز اگر

۱. ارسطو اصطلاح hekousion را برای اعمالی که دارای مؤلفه‌های علم و تمایل هستند به کار می‌برد. در صورتی که اعمال فاقد یکی از این دو شرط باشد، آنها را در دسته akousion جای می‌دهد (Muller, Op. Cit, 238, 239, 246). از نظر ارسطو هم عمل انجام‌شده در اثر اجبار akousion است و هم عمل انجام‌شده در وضعیت جهل؛ چنانچه شرط رنج یا پشیمانی را به‌همراه داشته باشند. بیشتر عالمان فلسفه برای ترجمه این دو اصطلاح از عبارات voluntary و involuntary استفاده کرده‌اند. از نظر سوزان میر تمایز میان hekousion و akousion در برخی موارد مربوط به تمایز میان intentional/unintentional or witting/unwitting است و در برخی موارد مربوط به تمایز میان willing/unwilling می‌شود (Meyer, 2011: introduction, 9). او معتقد است از آنجا که اصطلاح voluntary و involuntary شامل هر دو تمایزی که دو اصطلاح یونانی به آن اشاره دارد می‌شود، ترجمه مناسبی برای این دو کلمه به‌نظر می‌رسد (Meyer, 2011: introduction: 11). بنابراین عملی که در اثر میل و اختیار فاعل و از روی علم انجام شده باشد، در تعبیر ارسطو hekon و در تعبیر شارحان او از جمله هابویر اچنیکه، سوزان میر و مولر voluntary است که تعبیر مناسب فارسی برای آن عمدی خواهد بود؛ زیرا عمد را شامل دو عنصر دانستن و خواستن دانسته‌اند. قصد نیز مترادف با عمد است و متشکل از این دو عنصر است (منتی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۱۲). در همین زمینه برخی از نویسندگان معتقدند که عمد متضمن این است که فاعل با وجود آگاهی، انجام کاری را که دقیقاً قانونگذار ارتکاب آن را جایز ندانسته است، عزم کند (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۱۷۴). در صورت فقدان علم نیز عمل به تعبیر ارسطو akon و به تعبیر شارحان او involuntary است که می‌توان ترجمه فارسی غیرعمدی را برای آن برگزید؛ زیرا علم یکی از مؤلفه‌های عمد است. فقدان علم سبب می‌شود تا اراده فاعل به عمل واقع شده با چنین خصوصیتی، تعلق نگرفته باشد؛ آن‌گونه که برخی نویسندگان حقوقی اظهار می‌کنند در حالت جهل و اشتباه موضوعی خواست و اراده نسبت به امری تحقق می‌یابد که بر اساس نظر فاعل عملی مباح است (الهام و برهانی، ۱۴۰۱: ۲۰۰). در واقع، به صرف ارادی بودن یا فقدان علم رفتار ارتكابی عمدی نخواهد بود (رستمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵). چنانچه عملی از روی اجبار انجام گیرد و میل و اختیار فاعل در آن نقشی نداشته باشد، عمل akon, involuntary است و به نظر نگارندگان اصطلاح غیرارادی برای ترجمه آن مناسب‌تر است و نه غیرعمدی؛ زیرا اراده که آن را شکل کامل و نهایی میل و خواست فاعل تعریف کرده‌اند که او را در آستانه رفتار موردنظر قرار می‌دهد (منتی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۰)، مبنای قصد است و در صورت فقدان آن نوبت به مرحله قصد(عمد) نمی‌رسد. در واقع به اعتقاد برخی عنصر قصد از اراده سرچشمه می‌گیرد و اراده به معنای خواست به حرکت درآوردن کورکورانه اعضای بدن است؛ درحالی‌که قصد هدایت هدفمند اعضای بدن و به‌طور کلی رفتار به سمت ارتکاب جرم است (منتی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

2. Coercive Corruption

عمل فرد ناشی از ویژگی پایداری در شخصیت او باشد، سزاوار سرزنش خواهد بود و این سرزنش نسبت به فاعلی که به صورت موقت برای مثال در اثر مستی دچار جهل به کلیات اخلاقی یا جهل حکمی شده است، بیشتر است (O'Hagan, 2016: 21-23).

در جهل به جزئیات، فاعل اخلاقی نسبت به اوضاع و احوال خاص مربوط به عمل جاهل است. از نظر ارسطو چنین جهلی مربوط به چند مورد است: مورد اول جهل در مورد کسی است که مرتکب عمل شده است؛ یعنی فاعل نمی‌داند که خودش در حال انجام آن عمل است. ارسطو تأکید دارد که شخص به ندرت نسبت به خودش ناآگاه است؛ مورد دوم جهل در مورد عملی است که فرد در حال انجام آن است. موارد دیگر جهل در مورد ابزار انجام عمل، هدف از انجام عمل و شیوه انجام عمل است (Grgic, Op. Cit, 234). علاوه بر این موارد، برخی جهل در خصوص شخصی که فاعل، عمل را نسبت به او انجام می‌دهد و نیز جهل به نتایج عمل را نیز برشمردند (Heinaman, 2009: 489). برای مثال فاعل مست یا عصبانی اگر در مورد اینکه در حال ضربه زدن به دیگری است، ناآگاه باشد، نسبت به نوع عملی که انجام می‌دهد، جاهل است (O'Hagan, Op. Cit, 20).

کسی که به اشتباه پسرش را با این تفکر که دشمن است، می‌کشد، کسی که برای نجات شخصی به او نوشیدنی می‌دهد که سبب مرگ او می‌شود (Grgic, Op. Cit, 357) یا مشت‌زنی که می‌خواهد به حریفش تنها یک ضربه بزند؛ اما این ضربه سبب مرگش می‌شود (Warren, 2021: 86)، نیز مثال‌هایی برای جهل به جزئیات است. در صورت جهل به موارد پیش گفته، نتیجه عمل فرد، کاملاً تصادفی است، زیرا او قصد دیگری داشته است (Muller, Op. Cit, 238). در چنین جهلی فاعل اخلاقی نتیجه عملش را قصد نکرده و چنین نتیجه‌ای در اثر جهل او به جزئیات مربوط به عملش ایجاد شده است. به این دلیل چنین نتیجه‌ای تصادفی و دور از انتظار فاعل است. عمل ارتكابی کسی که نسبت به جزئیات عمل خود دچار جهل است، در راستای هدف مورد نظرش انجام نشده است.

اعمال انجام گرفته در وضعیت جهل به جزئیات یا به «علت جهل»^۲ انجام می‌شوند و غیر عمدی خواهند بود، یا «به علت امری غیر از جهل از جمله بی‌توجهی»^۳. این عمل نیز آن گونه که ارسطو در اخلاق ائودموس و نیکوماخوس مطرح کرده است، غیر عمدی است. در مورد این دسته اعمال مواردی همچون بی‌توجهی، لذت، رنج و احساسات به عنوان یک معیار علی اخلاقی

۱. خشم و مستی با آنکه متفاوتند، هر دو سبب می‌شوند که فاعل مانند فاعل آکراتیک (دارای ضعف اخلاقی) به صورت موقت از آنچه باید به آن عمل کند، غافل باشد (O'Hagan, Op. Cit, 23). به این علت در مثال‌ها خشم، مستی و ضعف اخلاقی در کنار یکدیگر به کار برده شده‌اند.

2. Through factual error /because of ignorance about particulars (Di' agnoian)

3. Through something else for example carelessness/ in ignorance about particulars (agnoon)

در فاعل، در برابر جهل موضوعی او منشأ و عامل مسئولیت است نه صرف فقدان آگاهی فاعل (Echenique, Op. Cit, 164, 166). برای مثال عمل پزشکی که با تزریق داروی اشتباه به بیمار موجب فوت او می‌شود، در صورتی ناشی از جهل تلقی می‌شود که نداند دارویی که به بیمار تزریق کرده، سم است و دلیل بیشتری در خصوص علت این اشتباه وجود نداشته باشد (Grgic, Op. Cit, 353). همچنین پزشکی که دارویی که سم نیست را به بیمار تزریق می‌کند، اما نمی‌داند که بیمار نسبت به آن دارو دارای آلرژی ناشناخته است^۱، از آنجا که هیچ تقصیری ندارد، عملش به علت جهل انجام شده است. فاعل فضیلت‌مند نیز ممکن است دچار چنین جهلی شود (Warren, Op. Cit, 89)؛ اما اگر تزریق داروی اشتباه از سوی او درحالی که نمی‌دانسته آن دارو سم است در حالت مستی یا خشم یا بی‌مبالاتی انجام شود، عمل او «در حالت جهل به جزئیات»^۲ انجام شده است (Grgic, Op. Cit, 353-354).

این‌گونه دسته‌بندی ممکن است یادآور بحث جهل قصوری و تقصیری باشد که می‌توان آن را هم در مورد جهل حکمی و هم جهل موضوعی تصور کرد. با این حال از آنجا که در نظریه اخلاق فضیلت، ویژگی‌های اخلاقی فاعل نقشی مهم در ارزیابی رفتارهای او ایفا می‌کند، از عبارت به‌علت جهل و در حالت جهل که اولی منصرف از ویژگی‌های شخصیتی فاعل و دومی به چنین ویژگی‌هایی اشاره دارد، استفاده شده است. تقسیم‌بندی ارسطو به‌خوبی گستره کاملی از جهل را پوشش می‌دهد. برای مثال فاعلی که دچار شک باشد و برای رفع شک تلاشی نکرده باشد (مانند پزشکی که از نوع داروی تجویز شده برای بیمار نامطمئن است با این وجود آن را تجویز می‌کند) یا فاعلی که جهل او به‌علت ردیلتی همچون سهل‌انگاری یا تنبلی است، مانند پزشکی که می‌داند در قفسه دارو، داروهایی با تشابه ظاهری وجود دارد و باید با دقت بیشتری از آنها استفاده کند، نتیجه نامطلوب عمل هر دو فاعل، نه ناشی از جهل، بلکه ناشی از تقصیر است. در واقع چنین فاعلانی قدرت تحصیل علم را داشته‌اند. از سوی دیگر وقتی ارسطو از عبارت به‌علت جهل استفاده می‌کند، جهل را به ویژگی‌های منشی فاعل ارتباط نمی‌دهد و در نتیجه آن را ناشی از تقصیر نمی‌داند. مانند پزشکی که دارویی را به بیمار تزریق می‌کند که بیمار نسبت به آن دچار آلرژی ناشناخته است. در این مورد امکانی برای پزشک وجود ندارد تا به چنین آلرژی آگاهی یابد.

بنابراین عمل انجام‌گرفته در وضعیت جهل به جزئیات یا ناشی از تقصیر فاعل اخلاقی است یا با هیچ‌گونه تقصیری از سوی فاعل همراه نبوده است. با این حال در هر دو فرض عمل

۱. دارو پنداشتن سم از سوی پزشک می‌تواند مصداقی از اشتباه و بی‌اطلاعی او از آلرژی ناشناخته بیمار مصداقی برای جهل بسیط باشد.

2. In ignorance about particulars

انجام گرفته غیر عمدی است و بر اساس مبانی اخلاق فضیلت سزاوار سرزنش نیست. در ادامه بحث را با تفصیل پی می‌گیریم.

۳. مسئولیت اخلاقی در فرض جهل به جزئیات از نگاه اخلاق فضیلت

جهل به جزئیات رفتار که در خوانش حقوقی همان جهل موضوعی است، ممکن است در دو حالت تقصیر یا عدم تقصیر فاعل اخلاقی ایجاد شده باشد. در هریک از این حالت‌ها نیز ممکن است فاعل اخلاقی دچار پشیمانی شود یا اینکه رنج یا خودسرزنی ناشی از پشیمانی را تجربه نکند. در این قسمت نوع مسئولیت اخلاقی فاعل جاهل در هر دو حالت با در نظر گرفتن مؤلفه پشیمانی بررسی می‌شود.

۳.۱. تأثیر جهل به جزئیات بر مسئولیت اخلاقی با تکیه بر مؤلفه تقصیر

از نظر وارن^۱ ارسطو جهل همراه با تقصیر را قابل سرزنش می‌داند. وارن بر این مبنا معتقد است اگر فاعل در مقابل جهلش مسئول باشد، نمی‌توان عمل او را غیر عمدی دانست و می‌توان او را به سبب آنچه در نتیجه تقصیر او اتفاق افتاده سرزنش و یا مجازات کرد (Warren, Op. Cit, 87).

همسو با نظر وارن برخی معتقدند اگر فاعل در شرایطی همچون مستی دچار جهل به جزئیات عمل باشد، منشأ این جهل درون خود اوست، زیرا اعمال عمدی او در گذشته با آگاهی کامل انجام شده است و او به سبب آنها دچار خشم، مستی یا غفلت شده و پیرو آن در حالت جهل عمل کرده است. در این دسته از اعمال شرط علم به طور مستقیم برآورده نمی‌شود، اما به صورت غیرمستقیم این شرط وجود دارد. برای این افراد هم در برابر جهل و هم در برابر عملی که از جهل ناشی شده است، دو مجازات جداگانه در نظر گرفته می‌شود (Charles, 2017: 15). در واقع، افراد با توجه به نوع تصمیماتی که در زندگی می‌گیرند، اعمال خاصی را به صورت عمدی انجام می‌دهند که سبب می‌شود آنها را در موقعیت‌هایی همچون مستی، بی‌توجهی و خشم قرار دهد. به این علت گفته شده است که اعمال ناشی از چنین وضعیت‌هایی که مسبوق به تصمیمات و اعمال افراد در گذشته است، عمدی است.

برخی دیگر از نویسندگان نیز در موافقت با این نظر معتقدند که برابر دیدگاه ارسطو این‌گونه عمل غیر عمدی چنانچه مقدمه و منشأ عمدی داشته باشد، موجب مجازات است؛ مانند عمل عمدی مست شدن که به انجام عملی غیر عمدی و در حالت جهل ناشی از شرایط مستی منجر می‌شود (Grgic, Op.Cit, 354).

1. Warren

به نظر برخی دیگر در چنین شرایطی مجازات فاعل، مجازات عمل عمدی خواهد بود؛ مانند زمانی که فرد در حال مستی شخصی را به قتل برساند که مجازات او مجازات فاعل هوشیار خواهد بود، حتی اگر احساس رنج و پشیمانی کند (Sakezles, 2007: 229). در واقع، اگر فاعل در نتیجه مستی اختیاری از اوضاع و احوال مربوط به عملش غافل باشد، جهل او عمدی است. در نتیجه، عملی که ناشی از جهل اوست، عمدی قلمداد خواهد شد (Kamtekar, 2019: 186).

مخالفان نظرهای پیش‌گفته معتقدند عمل ناشی از جهل در چنین شرایطی به دلیل عدم انتساب اخلاقی قابل مجازات نیست، بلکه چنین شخصی به علت جهل ناشی از تقصیر سزاوار سرزنش است، نه به سبب عمل ناشی از جهل. شرط ضروری برای اشتباه موضوعی قابل سرزنش این است که فاعل از چیزی چشم‌پوشی کند یا آن را انجام دهد یا دچار امری باشد که سبب اشتباه او و در نتیجه ارتکاب عمل ناشایست شود؛ برای مثال شخصی که در اثر مصرف مشروبات الکلی و مستی به پدر خود آسیب می‌رساند، در حالی که به عمل خود آگاهی ندارد یا فردی که هیچ عملی که او را در موقعیت معرفتی نامطلوب قرار دهد، انجام نمی‌دهد، بلکه صرفاً «بی‌توجه»^۱ است و این بی‌توجهی او را در موقعیت جهل و در نتیجه آسیب زدن به دیگری قرار می‌دهد. از نظر ارسطو این بی‌توجهی و مسامحه است که او را در وضعیت ادراکی نامطلوب قرار داده است. در واقع، بی‌توجهی نوعی خصلت است که بیانگر «رذیلت‌های فاعلیت ناخالص»^۲ است و کسی که خود را به سبب چنین خصلت‌هایی در وضعیت معرفتی نامطلوبی قرار داده است، اخلاقاً قابل سرزنش است (Echenique, Op.Cit, 160).

از نظر ارسطو جهل به جزئیات در صورتی قابل سرزنش است که انتظار علم به چنین جزئیاتی معقول باشد. شرط دوم از نظر ارسطو این است که کسب اطلاع دشوار نباشد یا آسان باشد. ارسطو فرض می‌کند که ورای چنین تعریف رسمی از شروط جهل قابل سرزنش، فاکتورهای علی معینی وجود دارند که همراه با تقصیر فاعل و در نتیجه عامل مسئولیت او به سبب جهل هستند. این فاکتورهای علی، رذیلت فاعلیت ناخالص اند (Echenique, Op. Cit, 161). به عبارتی اگر این انتظار معقول وجود داشته باشد که فاعل اخلاقی فضیلت‌مند باید نسبت به موضوعی علم داشته باشد و کسب علم هم در آن خصوص دشوار نباشد، در صورتی که فاعلی نسبت به چنین موضوعی جاهل باشد، جهل او ناشی از منش اخلاقی او و سزاوار سرزنش است.

1. Ameleia/ careless
2. Vices of impure agency

از نظر هاویر اچنیکه^۱ خوانش سنتی از دیدگاه ارسطو که عمل ناشی از جهل تقصیری را عمدی می‌داند، ناصحیح است، زیرا ارسطو این دو اصل را پذیرفته است که سرزنش و ستایش در برابر اعمال عمدی قرار می‌گیرند و اعمال ناشی از اشتباه موضوعی، غیرعمدی هستند. با این حال طرفداران خوانش سنتی معتقدند که اگر جهل فاعل قابل سرزنش باشد، عمل انجام‌گرفته در چنین جهلی سزاوار بخشش نیست. ارسطو بر خلاف چنین دیدگاهی فرض غیرقابل بخشش بودن عمل انجام‌گرفته در اثر اشتباه غیرقابل بخشش را رد می‌کند. طبق اظهارات ارسطو و دو اصل پیش‌گفته که ارسطو در اخلاق ائودموس و نیکوماخوس به آن پایبند است، می‌توان خوانش دیگری را ارائه داد که در مقابل خوانش سنتی، تفسیری لیبرال از اظهارات ارسطو ارائه می‌دهد. برابر این تفسیر، فرد فقط به این علت که خود را در وضعیت معرفتی نادرست قرار داده است و نه به علت عمل ناشی از آن، سرزنش می‌شود؛ زیرا چنین عملی غیرعمدی و قابل بخشش است (Echenique, Op. Cit, 163). خوانش لیبرال آن‌گونه که پیداست، دو اصل پیش‌گفته را نقض نمی‌کند.

درواقع، بی‌توجهی، لذت، رنج و احساسات همگی نشان‌دهنده وجود یک معیار علی اخلاقی در فرد است که مایه جهل موضوعی برای فاعل و عامل مسئولیت اوست. ارسطو در اخلاق نیکوماخوس تأکید می‌کند که چنین فاکتورهایی خصلت‌های فاعل هستند که به جای ترحم، موجب سرزنش خواهند شد. چنین فردی بی‌توجه، عجول و ... نامیده خواهد شد و عمل ناشی از چنین خصلت‌هایی غیرعمدی است. در این موارد فاعل به دلیل اعمال یک رذیلت ناشی از فاعلیت ناخالص سرزنش می‌شود، نه به سبب عمدی بودن عمل حاصل از اشتباه (Echenique, Op. Cit, 165). چنین رذیلتی که مبنایی برای سرزنش اخلاقی جهل است، از نظر ارسطو مبنایی برای قانونگذاران است تا جهل ناشی از این رذایل را که به نوبه خود موجب ارتکاب عمل مجرمانه می‌شود، مجازات کنند.

ارسطو در فصل پنجم از کتاب سوم اخلاق نیکوماخوس گفته است که قانونگذاران باید اقدامات اصلاحی و مجازات‌ها را بر فاعلی اعمال کنند که عمل نادرستی انجام داده باشد، مگر اینکه آن عمل در اثر اجبار یا جهلی که فاعل در برابر آن مسئول نیست، انجام شده باشد؛ با این حال این گفته ارسطو به این معنا نیست که نتایج ناشی از اشتباه موضوعی وقتی که فرد در برابر

1. Javier Echenique

هاویر اچنیکه استاد گروه فلسفه دانشگاه کاتولیک پاپی شیلی در سانتیاگو و محور مطالعات او تعامل میان فلسفه یونان و فلسفه معاصر است. او بر موضوعات کاربردی همچون مسئولیت اخلاقی، فضیلت‌ها، سعادت و اراده آزاد تمرکز دارد. نظرهای او به علت خوانشی متفاوت که با نگارش کتاب اخلاق ارسطو و مسئولیت اخلاقی از دیدگاه ارسطو در زمینه مسئولیت اخلاقی ارائه داده، مبنایی برای مقاله حاضر بوده است.

جهلش مسئول باشد، قابل بخشش نیستند، خواه این دسته از نتایج را عمدی بدانیم و خواه غیرعمدی اما سزاوار سرزنش. در حقیقت از نظر ارسطو قانون‌گذاران باید چنین تدابیری را چنانچه فاعل در برابر جهل مسئول باشد؛ به سبب خود جهل اعمال کنند. به این دلیل مجازات شخص مست مضاعف خواهد بود؛ زیرا اینکه او مست شده در اختیار خودش بوده و این مستی موجب جهل او شده است، پس هم به سبب مستی و هم به سبب جهل مجازات می‌شود. آن‌گونه که ارسطو در اخلاق ائودموس گفته است، افراد به سبب نداشتن علم سرزنش می‌شوند و این حرف او دلیل محکمی به نفع خوانش لیبرال است (Echenique, Op. Cit, 168-169).

با این حال ارسطو در مواردی که اشتباه موضوعی سزاوار سرزنش، موجب نتیجه بدی می‌شود، سرزنش فاعل به دلیل اعمال ناشی از جهل را بر اساس مبانی غیراخلاقی انکار نمی‌کند. برای مثال در موارد «بخت اخلاقی»^۱ فاعل به دلیل عمل ناشی از جهل ممکن است مجازات شود؛ اما مجازات او مبنای اخلاقی ندارد. از نظر نیگل^۲ اگر شخصی بیش از حد مشروبات الکلی استفاده کند و ماشینش به سمت پیاده‌رو تغییر جهت دهد، چنانچه موجب مرگ عابر پیاده‌ای شود، سرزنش خواهد شد و شاید به علت قتل غیرعمد تعقیب شود. با این حال اگر او به کسی صدمه نزند، باز هم بی‌احتیاطی کرده و به جرمی با درجه خفیف‌تر محکوم خواهد شد. نیگل در اینجا به طرز واضحی از اصطلاح سرزنش به عنوان یک ضمانت اجرا استفاده می‌کند که مربوط به «پاسخگویی»^۳ است. اگر دیدگاه‌های مدرن فرد مقصر را به دلیل نتیجه واقعی بیشتر سزاوار سرزنش بدانند^۴، به نظر می‌رسد موافق دیدگاه ارسطویی در مورد اشتباه قابل سرزنش است که دیدگاهی لیبرال قلمداد می‌شود. دلیلی وجود ندارد تا ارسطو چنین چیزی را نفی کند. تمام آنچه او رد می‌کند این است که این مفهوم از سرزنش مربوط به «انتساب اخلاقی»^۵ نیست (Echenique, Op. Cit, 171-172). در حقیقت عملی اخلاقاً به فاعل اخلاقی منتسب است که علاوه بر تحقق شرط انتساب مادی، از روی علم و آگاهی انجام شده باشد. در این صورت است که عمل عمدی است و سزاوار سرزنش اخلاقی است. اعمال غیرعمدی به لحاظ اخلاقی سزاوار سرزنش نیستند و در صورت حصول پشیمانی از سوی فاعل اخلاقی شایسته بخشش هستند.^۶

1. Moral luck

2. Nagel

3. Accountability

۴. همان‌طور که موافقان تأثیر بخت منتج اخلاقی معتقدند که وقوع نتایج مجرمانه در تعیین مسئولیت و مجازات مرتکب اثرگذار است. (نوبهار و خطشب، ۱۳۹۸: ۶).

5. ethical ascription

۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Heinaman, Robert. (2009). "Voluntary, Involuntary, and Choice", In: *a Companion to Aristotle* (Georgios Anagnostopoulos Ed, First published, 483-497). Hoboken, NJ: Wiley-

در فرضی که جهل فاعل اخلاقی ناشی از هیچ‌گونه تقصیری نباشد نیز همان‌طور که در قسمت پیشین بررسی شد، عمل فاعل اخلاقی به اتفاق نظر غیرعمدی است (Grgic, Op. Cit. 354; Kamtekar, Op. Cit. 186; Meyer, 1988: 128; O' Hagan, Op. Cit. 15; Echenique, Op. Cit. 164). همچنین جهل او به علت اینکه به او منتسب نیست و بر خلاف جهل ناشی از تقصیر نشان‌گر ردیلت فاعلیت ناخالص نیست، سزاوار سرزنش نیست.

۳.۲. نقش مؤلفهٔ پشیمانی در مواجهه با اعمال ناشی از جهل به جزئیات

اصطلاحی که نویسندگان در خصوص واکنش فاعل اخلاقی پس از انجام عمل ناشی از جهل، آن را به «پشیمانی»^۱ ترجمه کرده‌اند، «متاملیا»^۲ است. با این حال گفته شده است که پشیمانی مفهومی گسترده‌تر از متاملیا دارد. برای مثال کاپیتان یک کشتی که در توفانی گرفتار شده و برای نجات جان سرنشینان مجبور به پرتاب محموله‌ها به بیرون از کشتی می‌شود، نیز دچار پشیمانی می‌شود؛ اما چنین پشیمانی، متاملیای موردنظر ارسطو نیست. متاملیا حالتی است که از نظر وارن دارای «مؤلفهٔ ارزیابی مجدد گذشته‌نگر»^۳ است و در موقعیت‌های مربوط به جهل وجود دارد. این در حالی است که کاپیتان نه دارای چنین مؤلفه‌ای است و نه دچار جهل. کاپیتان کشتی از روی آگاهی انجام چنین عملی را انتخاب کرده است و پس از توفان تصمیم و عمل خود را تأیید می‌کند؛ اما خواست قلبی او چنین بود که در چنین شرایطی قرار نمی‌گرفت. نکتهٔ دیگر اینکه فاعل جاهل ممکن است «رنج ناشی از متاملیا»^۴ را تجربه کند یا دچار «خودسرزنشی ناشی از متاملیا»^۵ شود (Warren, Op. Cit, 94, 95).

گاه فرد در اثر ناآگاهی کامل به جزئیات، مرتکب عملی می‌شود و پس از ارتکاب آن، هم احساس رنج کرده و هم خود را ملامت می‌کند و در برابر آن عمل مسئول می‌داند؛ اما در برخی موارد فاعل تنها احساس رنج دارد، بی‌آنکه خود را در برابر آن عمل سرزنش کند. خودسرزنشی ویژگی پشیمانی در مواردی است که جهل فاعل ناشی از تقصیر او باشد (Warren, Op. Cit, 87). در مواردی که جهل فاعل ناشی از تقصیر او نباشد، بخشش پاسخ مناسبی به فاعل است و شاید او نیز خود را ببخشد. با این حال در این موارد فاعل رنج پشیمانی را تجربه می‌کند، زیرا به لحاظ علیّ خودش را در برابر عمل مسئول می‌داند و عمل به لحاظ مادی به او منتسب است. برای مثال رانندهٔ کامیونی که بدون هیچ تقصیری به کودکی برخورد می‌کند، دچار پشیمانی

Blackwell & Muller, Jozef. (2015). Agency and Responsibility in Aristotle's Eudemian Ethics, *Phronesis*, Vol. 60, No. 2, pp. 206-251.

1. Regret
2. Metameleia
3. the element of retrospective re-evaluation
4. Pain of Metamelia
5. Self-chastisement of Metameleia

خواهد شد و به‌دلیل پشیمانی، عمل او غیر عمدی خواهد بود؛ اما به لحاظ علی در برابر عملش مسئول است. اگر جهل راننده از نوعی باشد که خودسرزندی او عقلانی نیست؛ برای مثال در مواردی که با مراقبت متعارف رانندگی کرده است، بی‌شک او به علت آنچه اتفاق افتاده، دچار رنج می‌شود؛ اما ویژگی خودسرزندی پشیمانی در مورد او ممکن است کاهش یابد یا به‌کلی از بین رود (Warren, Op. Cit, 88, 89).

از نظر سوزان میر^۱ ارسطو قاطعانه انکار می‌کند که تمام اعمالی که در دسته اعمال «نه عمدی و نه غیر عمدی»^۲ جای می‌گیرند، غیر عمدی^۳ قلمداد شوند، زیرا از نظر او اعمالی که عمدی نیستند، باید همراه با رنج یا پشیمانی مرتکب باشند تا غیر عمدی محسوب شوند و در این صورت است که بخشوده خواهند شد. در واقع بخشش بر واکنش افراد نسبت به نتایج عملشان استوار است (Meyer, 1988: 127, 150).^۴ به عبارتی، واکنش افراد جاهل در برابر اعمال ارتكابی پس از آگاه شدن به موضوع جهل، بیانگر نوع شخصیت فاعل است که مقوله‌ای محوری برای مسئولیت در دیدگاه ارسطوست.

ارسطو سرزنش و ستایش را مناسب اعمالی می‌داند که عمدی هستند؛ اما در مورد اعمال غیر عمدی افزون بر انتساب عمل به علتی خارجی یا ناشی بودن آن از جهل، شرط مخالفت با شخصیت فاعل را نیز ضروری می‌داند. واکنش مناسب برای چنین اعمالی «سیگنومی»^۵ است.

1. Susan Meyer

سوزان میر استاد بازنشسته گروه فلسفه دانشگاه ایالت پنسیلوانیا است. حوزه مطالعات ایشان فلسفه باستان در حیطه اخلاق به‌ویژه اخلاق ارسطو، افلاطون، سقراط و اپیکور است و در این زمینه کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته است. یکی از کتاب‌های مهم او که راه‌گشای مطالعه در زمینه نظریه ارسطو در مورد مسئولیت اخلاقی با تکیه بر نقش شخصیت، فضایل و رذایل اخلاقی و قلمرو فاعل اخلاقی است، *Aristotle on Moral Responsibility: Character and Cause* است.

2. Non (in)voluntary

3. Involuntary

۵. ارسطو در اخلاق نیکوماخوس دو نوع عمل را در دسته *akousion* (involuntary) قرار می‌دهد. از نظر او اعمال ناشی از اجبار در صورتی که همراه با رنج باشند و همچنین اعمال برخاسته از جهل به جزئیات در صورتی که موجب متاملیا شوند، *akousion* اند. اعمالی که هر دو شرط علم به جزئیات عمل و اختیار را داشته باشند، در دسته اعمال *hekousion* (voluntary) قرار می‌گیرند. ارسطو دسته دیگری از اعمال را شناسایی می‌کند که با اینکه به صورت عمدی یا اختیاری انجام نشده‌اند، در دسته *akousion* نیز جای نمی‌گیرند. این دسته اعمالی هستند که با وجود جهل فاعل به جزئیات عمل یا با اینکه در اثر اجبار انجام شده‌اند، متاملیا یا رنج فاعل را به همراه ندارند و در نتیجه به تعبیر ارسطو *non-ouch hekousion* (voluntary) هستند (Meyer, 1988: 127-128). برای مطالعه بیشتر ر.ک: Echenique, Op. Cit, 174-178

6. Sungnome (Forgiveness, Excuse, Pardon, Exanoration, Understanding)

در واقع سیگنومی یک داوری مبنی بر این برداشت است که بی‌عدالتی مورد ادعا آسیبی را ایجاد نکرده یا اینکه آسیب ایجاد شده بیانگر بی‌عدالتی نیست یا اینکه بی‌عدالتی ایجاد شده است، اما مجازات برخوردی نامناسب است. با وجود این دلایل است که سیگنومی واکنش‌هایی همچون عفو، معذور داشتن، تبرئه کردن و درک کردن را در برمی‌گیرد. به این دلیل است که به‌طور معمول اصطلاح سیگنومی را ترجمه نمی‌کنند (Meyer, 1988: 144).

سیگنومی بیانگر چیزی فراتر از عدم سرزنش است و در برابر عملی که مخالف با شخصیت فاعل است اعمال می‌شود. سیگنومی شامل چشم‌پوشی از خشم در برابر فاعل خطاکار و حتی شاید شامل چشم‌پوشی از سایر واکنش‌های منفی در برابر اوست (Meyer, 1988: 140, 150).

برای بخشیدن یک فرد در مقابل عمل ارتكابی‌اش علاوه بر این که او نباید قابل سرزنش باشد، واکنش‌هایی همچون خشم، ناخشنودی و خصومت نیز نباید در مورد او صدق کند. برای اینکه فرد موضوع چنین واکنش‌هایی قرار نگیرد، باید شرط مخالف با شخصیت بودن که از شروط غیرعمدی بودن رفتار است، درباره او صدق کند (Meyer, 1988: 144). پشیمانی فاعل اخلاقی در برابر اعمال ناشی از جهل به جزئیات، نشان‌دهنده شرط مخالفت با شخصیت است که سوزان میر به آن اشاره دارد. از آنجا که ملاک بخشش فاعل اخلاقی در اعمال غیرعمدی این است که فاعل اخلاقی از عمل انجام‌گرفته دچار رنج یا خودسرزنی به‌عنوان مؤلفه‌های پشیمانی شود؛ صرف ابراز پشیمانی کافی نخواهد بود، بلکه ندامت حقیقی فاعل اخلاقی باید آشکار شود.

فرض دیگر این است که فاعل اخلاقی از عمل انجام‌شده در وضعیت جهل، پشیمان نشود. چنین عملی همان‌طور که اشاره شد در دسته اعمال نه عمدی و نه غیرعمدی جای می‌گیرد. در خصوص نحوه مواجهه با چنین فاعلانی گفته شده است که ارسطو آنها را در مقابل اعمالشان قابل سرزنش نمی‌داند؛ زیرا به اعتقاد او رابطه وضعیت انگیزشی چنین فاعلانی با نتایج زیانبار عمل، رابطه علی غیرتصادفی نیست. با این حال او چنین فاعلانی را قابل بخشش نیز نمی‌داند، زیرا از نظر او این دسته از فاعلان غیرعامد نیستند. این دسته از فاعلان دارای شرط مخالف بودن عمل با شخصیت خود نیستند، بنابراین قابل بخشش نیستند. چنین فاعلانی از نظر ارسطو سزاوار «خشم و آزرده‌گی»^۱ هستند (Meyer, 1988: 130, 144).

همچنان که ارسطو کسانی را که از سختی و رنج دیگران لذت می‌برند یا نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند، سزاوار خشم می‌داند، زیرا اینها نشانه دشمنی و بی‌حرمتی به افراد دیگر است. فاعلانی که وضعیت روانی آنها نه عمد و نه غیرعمد است، دقیقاً شبیه کسانی هستند که از رنج دیگران لذت می‌برند یا از رنج دیگران حس خوبی دارند. (Meyer, 1988: 149-150).

از آنجا که سوزان میر به رابطه علی مستقیم میان عمل و وضعیت ذهنی فاعل برای قابل سرزنش بودن عمل اشاره کرده است و عمل عمدی را سزاوار سرزنش می‌داند؛ در تحلیل او به نظر می‌رسد که اعمال ناشی از تقصیر که ناشی از رابطه علی مستقیم نیستند، غیرعمدی هستند. اگر چنین اعمالی غیرعمدی باشند، می‌توان شرط مخالف شخصیت بودن از نظر سوزان میر را برای اعمال انجام‌شده در جهل به جزئیات ناشی از تقصیر نیز مانند اعمال انجام‌شده در فرض بی‌تقصیری لحاظ کرد؛ یعنی در صورت پشیمانی و مخالف شخصیت بودن چنین اعمالی، فاعلان

آن را بخشید و در صورت عدم پشیمانی نسبت به آنها خشمگین بود، بی‌آن که نسبت به تقصیرشان بخشیده شوند. این نظر در مقابل نظر وارن قرار دارد که عمل ناشی از جهل را در فرض تقصیر، عمدی و سزاوار سرزنش می‌داند و در نتیجه، غیرعمدی بودن چنین اعمالی به شرط پشیمانی را نمی‌پذیرد. به نظر می‌رسد سوزان میر در این مورد با هاویر اچنیکه که اعمال ناشی از جهل تقصیری را غیرعمدی می‌داند، موافق باشد. در صورت غیرعمدی بودن چنین اعمالی اظهارات ارسطو در مورد پشیمانی، در خصوص اعمال ناشی از جهل تقصیری نیز صدق خواهد کرد.

۴. تحلیل حقوقی جهل موضوعی در نگاه اخلاق فضیلت

از نظر برخی نویسندگان خود اشتباه ممکن است بیانگر تقصیر و موجب محکومیت به ارتکاب جرم غیرعمدی باشد. برای مثال اگر کسی به‌سوی انسانی شلیک کند، درحالی که او را حیوان پنداشته و موجب مرگ او شود، چنانچه این اشتباه در اثر بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی باشد، به ارتکاب قتل غیرعمدی محکوم خواهد شد. مثال دیگر کسی است که به‌علت غفلت ناشی از اشتباه موجب انهدام واحدهای عمده صنعت نفت شده است. چنین کسی به استناد ماده ۸ قانون در زمینه اخلاک‌گران در صنایع نفت ایران به تخریب غیرعمدی این تجهیزات محکوم خواهد شد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۹-۲۴۰).

با توجه به آنچه در قسمت پیشین مطرح شد به‌نظر می‌رسد جهل در جرایم غیرعمدی همیشه بیانگر تقصیر نیست؛ مانند موردی که راننده‌ای به‌علت کم‌رنگ شدن اعداد در علائم مربوط به رانندگی با رعایت سایر ملاحظات، از سرعت مجاز تجاوز کرده و در اثر سرعت زیاد با عابری برخورد کرده و به وی آسیب رسانده است. در چنین فرضی که جهل موضوعی ناشی از تقصیر فاعل نیست و جرم هم جزء جرایم غیرعمدی است، جهل عاملی برای سرزنش فاعل نیست. به‌عبارتی در این مثال مرتکب دچار جهل موضوعی شده است و عمل ارتكابی او عملی غیرعمدی است؛ اما از آنجا که هیچ تقصیری از سوی او صورت نگرفته است، سرزنشی متوجه او نخواهد بود، نه در برابر جهل و نه در برابر عمل غیرعمدی حتی به‌عنوان سرزنشی بدون مبنای اخلاقی و برای صرف پاسخگویی. در نتیجه او در نظام قانونگذاری ایران مشمول مقررات جرایم ناشی از تخلفات رانندگی نخواهد شد.

لکن اگر چنین شخصی به‌سبب تقصیر دچار جهل موضوعی شده باشد؛ جهل او بر اساس مبنای اخلاقی سزاوار سرزنش است و عمل غیرعمدی او ممکن است بر اساس مصلحت حقوقی و نه اخلاقی سرزنش شود؛ مانند راننده‌ای که به‌علت بی‌دقتی میزان سرعت درج‌شده روی علائم رانندگی را درست ندیده باشد و به عابری آسیب رسانده باشد. قانونگذار ایرانی در خصوص چنین

فرضی در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی افزون بر دیه مجازات حبس را هم در نظر گرفته است. اینکه قانونگذار برای چنین عملی به علت وجود تقصیر راننده مجازات حبس در نظر گرفته، می‌تواند نزدیک به تحلیل هاویر اچنیکه در خصوص امکان سرزنش فاعل جاهل مقصر بر اساس ملاحظات کیفری، باشد. با این حال خود جهل نیز در دیدگاه اچنیکه سزاوار سرزنش است. اشتباه در مورد یکی از اجزای تشکیل دهنده تعریف جرم، سبب زوال عنصر روانی می‌شود. برای مثال اگر کسی در مال بودن آنچه می‌رباید دچار اشتباه شود، دارای عنصر روانی لازم برای جرم سرقت نخواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۵). مواردی همچون اشتباه در هویت قربانی در جرم قتل، اشتباه در ارزش مالی که ربوده می‌شود، اشتباه در انتخاب نوع مسکر، اشتباه در هویت کسی که با او زنا می‌شود، هیچ‌کدام به این دلیل که عنصر روانی لازم در خصوص جرم را از بین نمی‌برند، تأثیری بر مسئولیت کیفری نمی‌گذارند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۸-۲۳۹). با این حال ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی عدم تأثیر اشتباه در هویت بر مسئولیت کیفری مرتکب برای ارتکاب جنایت عمدی را مشروط به آن کرده است که مجنی‌علیه و فرد موردنظر جانی هر دو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون و به عبارتی مهدورالدم نباشند. بنابراین اگر مجری اعدام به علت شباهت ظاهری، برادر محکوم به اعدام را با او اشتباه گرفته و وی را اعدام کند، به دلیل اینکه یکی از آنها مشمول ماده ۳۰۲ و مهدورالدم است، مرتکب قتل عمدی نشده است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۹)، بلکه چنین قتلی در حکم شبه‌عمد است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۶۸). به عبارتی چنین قتلی بنا بر موازین عمد است، زیرا مرتکب هم قصد فعل و هم قصد قتل را داشته است، ولی به علت اشتباه قتل او در حکم یا به منزله شبه‌عمد است، بر خلاف موردی که فرد به اشتباه می‌پندارد که انسان مقابل او یک حیوان است. در چنین حالتی چون فرد قصد قتل انسانی را نداشته است، عمل او حقیقتاً شبه‌عمد است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۳۳۲، ۳۳۱).

در خصوص اعتقاد اشتباه به مهدورالدم بودن مجنی‌علیه، باید گفت برخی نویسندگان آن را به صادقانه بودن تعبیر می‌کنند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۳۷۰) و برخی دیگر از نویسندگان به متعارف بودن (آقایی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۴۳). برابر آموزه‌های اخلاق فضیلت همان‌گونه که هاویر اچنیکه گفته است چنین اعتقاد اشتباهی باید صادقانه باشد؛ اما به این معنی که ناشی از تقصیر نباشد و گرنه عنوان «اعتقاد اشتباه صادقانه»^۱ را نخواهد داشت (Echenique, Op. Cit, 149). با توجه به این توضیح به نظر می‌رسد، اگر اعتقاد اشتباه فاعل ناشی از تقصیر او باشد، اعتقادی معقول و متعارف نیست، زیرا یک فرد متعارف و معقول در این زمینه مرتکب تقصیر نمی‌شود. بنابراین صادقانه بودن و متعارف بودن با توجه به وصف بی‌تقصیری با یکدیگر همپوشانی دارند. بنابراین مجری اعدام در صورت عدم تقصیر، مرتکب قتل غیرعمد ناشی از اعتقاد اشتباه صادقانه شده است و درست به

1. Positively mistaken belief

این دلیل نه نسبت به جهل و نه نسبت به قتل سزاوار سرزنش نیست. بنابراین در چنین مواردی مجازات مبنای اخلاقی ندارد و از نظر مصلحت قانونی نیز توجیه نخواهد شد و صرف در نظر گرفتن دیه در برابر قتل غیرعمدی عادلانه‌تر است.

اما چنانچه اشتباه مرتکب صادقانه نباشد و به تعبیری برخاسته از تقصیر باشد، برای مثال مأمور اعدام برای شناسایی کسی که باید اعدام شود، احتیاط لازم را انجام نداده باشد، به نظر برابر دیدگاه هاویر اچنیکه به دلیل چنین تقصیری که موجب اشتباه موضوعی او شده است، سزاوار سرزنش است، لکن مجازات عمل ارتكابی او مجازات قتل عمدی نخواهد بود؛ در نتیجه پرداخت دیه و در صورت ملاحظات کیفری تعزیر او امکان‌پذیر است. به این دلیل تعزیر مذکور در قسمت پایانی ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی که می‌گوید: «ولی اگر ثابت شود به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی‌علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود»، با اینکه ماده مذکور مخالف اصل قضاوندی مجازات و غیرقابل دفاع است، بر اساس منطق آموزه‌های اخلاق فضیلت مناسب فرض تقصیر است، نه بی‌تقصیری.

درباره جهل موضوعی ناشی از مستی باید گفت که بنابر اطلاق صدر ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی چنین جهلی مانع مجازات مرتکب نیست. این در حالی است که در ادامه ماده بی‌اختیاری مرتکب در صورتی که او خود را برای ارتکاب جرم در شرایط مستی قرار نداده باشد، مانع مجازات قلمداد شده است. می‌توان از قانونگذار پرسید که چرا مسلوب‌الاختیاری مانع مجازات می‌شود، اما جهل موضوعی این‌گونه نیست؟ عمل انجام‌شده در شرایط مستی، خواه برخاسته از جهل موضوعی باشد خواه برخاسته از بی‌اختیار بودن فاعل به علت فقدان شروط علم و اختیار، مانع مسئولیت در برابر نتیجه خواهد بود. با این حال هم مستی اختیاری و هم جهل مرتکب که برخاسته از تقصیر اوست، سزاوار سرزنش است؛ اما عمل ناشی از جهل موجب مسئولیت و سزاوار سرزنش نخواهد بود، مگر اینکه برابر نظر هاویر اچنیکه به دلیل ملاحظات کیفری مرتکب را به اندازه جرم غیرعمدی قابل مجازات بدانیم.

برابر ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی نیز جنایت در شرایط مستی و عدم تعادل روانی مرتکب، مانع قصاص نخواهد بود؛ این در حالی است که مرتکب جرم ممکن است در چنین شرایطی دچار جهل موضوعی باشد. در این صورت بی‌شک عمل او غیرعمدی خواهد بود. پس اگر قانونگذار با لحاظ مصالح اجتماعی در صدد مجازات چنین شخصی در برابر جنایت غیرعمدی او برآید، بی‌گمان قصاص چنین شخصی عادلانه نخواهد بود. همچنان که در ادامه ماده در فرض بی‌اختیاری نیز قصاص را منتفی دانسته است.

۵. نتیجه

جهل به جزئیات به‌عنوان یکی از عوامل مانع مسئولیت اخلاقی در خوانش اخلاق فضیلت، با لحاظ رنج و خودسرزندی به‌منزله مؤلفه‌های پشیمانی و فرض تقصیر و بی‌تقصیری، در حقوق کیفری بازتاب‌های نوینی خواهد داشت.

از جمله بازتاب‌های خوانش اخلاق فضیلت از جهل موضوعی در حقوق کیفری، تأثیر مؤلفه پشیمانی بر اعمال ناشی از جهل به جزئیات - خواه در فرض تقصیر و خواه در فرض بی‌تقصیری - است. اگر اعمال انجام‌شده در وضعیت جهل به جزئیات ناشی از تقصیر فاعل نباشد، چنانچه پشیمانی فاعل را در پی داشته باشد و به‌نوعی چنین عملی مخالف شخصیت فاعل باشد، عمل ارتكابی و وضعیت روانی فاعل نیز غیرعمدی و شایسته بخشش است؛ اما در صورت عدم پشیمانی، عمل ارتكابی با توجه به خوانش سوزان میر از دیدگاه ارسطو نه عمدی است و نه غیرعمدی. آن‌گونه که سوزان میر می‌گوید: چنین عملی سزاوار سرزنش نیست، اما سزاوار خشم است.

در صورتی که اعمال انجام‌شده در وضعیت جهل به جزئیات، ناشی از تقصیر فاعل باشد، فاعل در برابر جهل ناشی از تقصیر و نه عمل ناشی از تقصیر، سزاوار سرزنش است. با توجه به تحلیل هاویر از دیدگاه ارسطو که عمل ناشی از جهل موضوعی را غیرعمدی می‌داند، شاید با توجه به اصول کلی مربوط به پشیمانی فاعل به‌سبب اعمال غیرعمدی‌اش، بتوان گفت که اگر فاعل در برابر عمل ناشی از جهل پشیمان باشد، چنین عملی شایسته بخشش است؛ در غیر این صورت، واکنش خشم برابر دیدگاه ارسطو مناسب خواهد بود. با این حال با توجه به اینکه از نظر هاویر ارسطو سرزنش در برابر عمل ناشی از جهل را با در نظر داشتن مصالح اجتماعی - که طبعاً قانون نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد - و در راستای پاسخگویی نفی نمی‌کند، عمل ناشی از جهل قابل مجازات است؛ اما به‌نظر می‌رسد برای در نظر گرفتن مجازات باید مؤلفه پشیمانی را هم در نظر گرفت. چنانچه فاعل از عمل انجام‌شده دچار خودسرزندی شود، منصفانه است که مجازات او تخفیف یابد یا حتی بخشیده شود و صرفاً در برابر جهل مجازات شود. اما در صورت عدم پشیمانی در صورت وجود ملاحظات کیفری، باید هم در برابر عمل ناشی از جهل و هم در برابر جهل سرزنش شود. با این حال، مجازات عمل ناشی از جهل نباید به اندازه مجازات آن عمل در شرایط عمدی باشد. در این زمینه شایسته است که ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی که به جرایم ناشی از تقصیر اشاره دارد، مقید به عدم حصول پشیمانی شود و چنانچه فاعل از رفتار ارتكابی خود پشیمان باشد و خود را نیز ملامت کند، فقط به‌سبب تقصیر مجازات شود. در مورد فرض بی‌تقصیری نیز به‌نظر می‌رسد در صورت عدم پشیمانی فاعل، با توجه به تأکید سوزان میر بر عنصر خشم آسیب‌دیده و یا تمام کسانی که منافع آسیب‌دیده را منافع خودشان می‌دانند، در

نظر گرفتن اقدامات تأمینی و تربیتی که بیانگر عدم رضایت جامعه از چنین ویژگی‌های اخلاقی باشد، ممکن است با رویکردی فضیلت‌گرایانه توجیه شود.

از سوی دیگر پیروی از منطق حقوقی در مورد جرایم ناشی از جهل و جرایم ناشی از فقدان اختیار فاعل، اقتضا دارد تا قانونگذار رویهٔ واحدی را در برابر اعمال ناشی از جهل موضوعی اتخاذ کند. به این دلیل جدا کردن وضعیت مستی که خود ممکن است موجبی برای جهل موضوعی فاعل باشد، از سایر موارد منجر به جهل موضوعی صحیح به نظر نمی‌رسد. شاید بهتر است قانونگذار جنایت ناشی از مستی و سایر جرایم ناشی از مستی را در فرضی که در شرایط جهل موضوعی انجام شده باشند، به دلیل غیرعمدی بودن عمل، مشمول مجازات عمل عمدی نکند و به مجازات فاعل با شرایطی که پیشتر توضیح داده شد، بسنده کند. به‌ویژه در جرایم موجب قصاص باید به اصل کمینه‌گرایی در اجرای قصاص پایبند بود. در مواردی که حکم به قصاص با شبهه و اشکال مواجه است، می‌توان به دیگر ابزارهای کیفری که البته مایهٔ گستاخی و تجری مرتکب نشود و همزمان روح احتیاط و مراقبت نسبت به دیگران را در شهروندان تقویت کند، روی آورد.

منابع

الف فارسی

۱. آخوندی، روح‌الله (۱۳۹۱). مفهوم جهل. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳(۱)، بهار و تابستان، پیاپی ۳۵، ۹۵-۱۲۴.
۲. آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۳). جرایم علیه اشخاص (جنایات). چ چهاردهم، تهران: میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی. ج ۱، چ شصت‌وهشتم، تهران: میزان.
۴. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۴۰۱). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جرم و مجرم. ج ۱، چ هفتم، تهران: میزان.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶). جرایم علیه اشخاص. چ اول، تهران: میزان.
۶. جوست، لارنس جی. (۲۰۰۵). «فضیلت و رذیلت» در: دانشنامه فلسفه اخلاق (مترجم: انشالله رحمتی، پل. ادواردز؛ دونالد ام. بورچرت ویراستاران، ۱۴۰۰، چ چهارم، ۳۹۷-۴۰۷). تهران: سوفیا.
۷. خزاعی، زهرا (۱۳۸۹). اخلاق فضیلت. تهران: حکمت.
۸. رستمیان، پیمان؛ حجاریان، محمدحسین و مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). بررسی سوءنیت در اقسام جنایت در فقه و حقوق ایران. فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۲(۴)، ۹۳-۱۱۹.
۹. شمس ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب (۱۳۹۳). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. چ دوم، تهران: میزان.
۱۰. قدسی، سیدابراهیم (۱۳۸۱). قلمرو تأثیر جهل بر مسئولیت کیفری. چ اول، مازندران: دانشگاه مازندران.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. ج ۲، چ اول، تهران: دادگستر.
۱۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی (۱). جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.
۱۳. منتی‌نژاد، صادق (۱۳۹۰). کاربرد معیارهای عینی و ذهنی در حقوق کیفری. رساله برای اخذ مدرک دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران.
۱۴. نوبهار، رحیم و محمدرضا خطاسب (۱۳۹۸). بخت منتج اخلاقی و حقوق کیفری. حقوق تطبیقی، ۱۵(۱)، ۳-۲۶.
۱۵. هولمز، رابرت (۲۰۰۳). مبانی فلسفه اخلاق. مترجم: مسعود علیا، ۱۳۹۶، چ سوم، تهران: ققنوس.

(ب) انگلیسی

16. Charles, D. (2017). "Aristotle on Agency" In: *The Oxford Handbook of Topic in Philosophy* (Online end, Oxford Academic).
17. Echenique, J. (2012). *Aristotle's Ethics and Moral Responsibility*. First Published. New York, NY: Cambridge University Press.
18. Grgic, F. (2021). Ignorance, Involuntariness and Regret in Aristotle. *International Journal of Philosophical Studies*, 3(29), 351-369.
19. Heinaman, R. (2009). "Voluntary, Involuntary, and Choice" In: *A Companion to Aristotle* (Georgios. Anagnostopoulos Ed, First published, 483-497). Hoboken, NJ: Wiley-Blackwell.
20. Hursthouse, R. (1999). *On Virtue Ethics*. Oxford, England: Oxford University Press
21. Jacobs, J. (2016). "Character, Punishment, and the Liberal Order" In: *From Personality to Virtue: Essays on the Philosophy of Character* (Alberto Masala, Jonathan Webber Eds, 9-34). Oxford, England: Oxford University Press.
22. Kamtekar, R., & Nichols, S. (2019). Agent-regret and Accidental Agency. *Midwest Studies in Philosophy*, 1(43), 181-202.
23. Kenny, A. (1979). *Aristotle's Theory of the Will*. London: Duckworth.
24. Meyer, S. S. (1988). Why involuntary actions are painful? *The Southern Journal of Philosophy*, (27), 127-158.
25. Meyer, S. S. (2011). *Aristotle on Moral Responsibility: Character and Cause*, New York, NY: Oxford University Press.
26. Muller, J. (2015). Agency and Responsibility in Aristotle's Eudemean Ethics. *Phronesis*, 2(60), 206-251.
27. Oakley, J. (2007). "Virtue Theory" In: *Principles of Health Care Ethics* (Richard E. Ashcroft, Angus Dawson, Heather Draper, and John McMillan Eds, 2nd Ed. 87-91). Hoboken, NJ: John Willey and sons.
28. O'Hagan. B. A, Paul (2016). *Moral Ignorance and Blameworthiness in Aristotle's Nicomachean Ethics*, Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts, Hamilton, McMaster University.
29. Sakezles, Priscilla K, (2007). Aristotle and Chrysippus on the Psychology of Human Action: Criteria for Responsibility. *British Journal for the History of Philosophy*, 2(15), 225-252.
30. Santos Campos, A. (2013). Responsibility and Justice in Aristotle's Non-voluntary and Mixed Actions. *Journal of Ancient Philosophy*, 2(7), 100-121.
31. Souris, R. N. (2019). Virtue Ethics, Criminal Responsibility, and Dominic Ongwen. *International Criminal Law Review*, 3(19), 1-30.
32. Warren, J. (2021). *Regret: A Study in Ancient Moral Psychology*, First Published. Oxford, England: Oxford University Press.